

شاخص های مطلوب سبک زندگی کارگزاران نظام مردم سالار دینی ایران Favorable indicators Lifestyle dominants Religious democracy

چکیده

کارگزاران به عنوان رهبران جامعه، بالاترین تاثیر را در ساخت جامعه برای نیل به تمدن اسلامی دارند. این نوشتار به دنبال بررسی سبک زندگی کارگزاران و ارائه الگوی مناسب است. پرسش این است که شاخص های مطلوب سبک زندگی کارگزاران در نظام مردم سالار دینی چیست؟ و با چه الگویی می توان به سبک زندگی مطلوب در نظام مردم سالار دینی دست یافت؟ فرضیه تحقیق بر اساس ابعاد، اعتقاد سیاسی، اخلاق سیاسی و رفتار سیاسی با مولفه های ارتباط با خدا، خود، دیگران و طبیعت، در قالب شاخص های مردم گرایی، خدمت گزاری، ساده زیستی، عدالت محوری، مسئولیت پذیری و مهرورزی تعریف می شود. روش تحقیق، تحلیل محتوای کیفی و تفسیری است. یافته ها نشان می دهد که سه لایه اعتقادات، ارزش ها و رفتارها، قدرت ترسیم الگو را دارد. این ابعاد، با ایجاد ارتباطات چهارگانه با خدا، با خود، با دیگران و طبیعت، سازه سبک زندگی رهبران نظام اسلامی را رقم می زند. با برقراری این ارتباطات سبدهای خالی برای شاخص ها تعریف و آنگاه این سبدهای خالی، از متن نهج البلاغه و سیره حضرت علی(ع) استخراج و شاخص های سبک زندگی کارگزاران تکمیل شده است. به دلیل گستردگی کار، جستجو به نهج البلاغه به عنوان اسلام حق شخصیتی محدود شده است.

واژگان کلیدی:

"سبک زندگی"، "کارگزاران"، "مردم سالاری دینی"، "اعتقادات"، "ارزش ها و رفتارها"

Abstract

Lifestyle dominants well as leaders, slamic society to achieve the highest impact on the Islamic civilization. The purpose of this text is a pattern of lifestyle dominants. The question is a favorable indicators lifestyle em dominantas in democracy is religious? and what is desirable lifestyle pattern can be found in the systof religious democracy? The research hypothesis based on the three dimensions of lifestyle dominants, including, political beliefs, political ethics and political behavior of the components of the relationship with God, self, others and nature is expressed. People-oriented, service, simplicity, justice, responsibility and love is one of the main indicators of lifestyle dominants. Research method is Qualitative content analysis and interpretation.

The results reserch show that three layers of beliefs, values and behaviors have the power to design lifestyle dominants. Each of these dimensions by creating links four with God, with self, with others and nature in managing society, the Structure lifestyle of community leaders in the Islamic system marks. With the creation of this communication indicators defined for empty baskets then the empty baskets, from Nahjolbalaghe and practices of Hazrat Ali (AS) extracted and and indicators of lifestyle expectantly been completed.

Keywords:

"Lifestyle", "dominants", "Religious democracy", "beliefs", "values, behaviors"

بیان مساله

تأثیر تمدن غربی بر سبک زندگی مسلمانان و جامعه ایران بسیار جدی است تا حدی که به صورت الگوهای نسبتاً ثابت و عادات روزمره درآمد است. گسترش شهرنشینی و صنعتی شدن، استفاده روزافزون از پدیده فضای مجازی، جهانی شدن و علوم انسانی غربی وارداتی، نگرش ایرانیان را به سمت الگوهای غربی سوق داده و باعث تغییراتی در سبک زندگی جامعه ایرانی و کارگزاران شده است. این در حالی است که اسلام دارای برنامه و روش برای زندگی است. اصلاح سبک زندگی عموم مردم به ویژه کارگزاران یکی از الزامات پیشرفت و تمدن سازی اسلامی است.

در نظام های غربی حاکمان براساس محاسبات مادی و حزبی مسئولیت جامعه را به عهده می گیرند. اما در نظام توحیدی کارگزاران باید شرایط و ضوابط خاصی برای حاکم شدن در جامعه اسلامی و مدیریت آن داشته باشند تا بتوانند جامعه و انسانها را به رشد و تعالی برای حیات جاویدان برسانند. رفتار یک مسئول در نظام اسلامی باید با سایر نظامهای سیاسی متفاوت باشد. بر اساس نقل معروف "الناس بامرائهم شبه من ابائهم"، که مردم را به حاکمان نسبت به پدران شان، شبیه تر می داند. رفتار یک مسئول در نظام اسلامی باید طوری باشد که مردم او را الگوی خود قرار بدهند. رفتار و سبک زندگی رهبران و کارگزاران یک جامعه می تواند بیانگر سبک زندگی جامعه خود نیز باشد. مساله این است که سبک زندگی کارگزاران نظام مردم سالاری دینی مطابق با الگوی عملی مطلوب دینی است یا خیر؟ این الگو چه ویژگی هایی دارد؟

هدف این نوشتار ارائه الگو و شاخص های سبک زندگی کارگزاران نظام مردم سالار دینی ایران مبتنی بر سیاست اسلامی می باشد. استخراج شاخص های مطلوب سبک زندگی و کاربری آن در سبک زندگی کارگزاران، مساله ای اساسی و مورد نیاز می باشد که علاوه بر تاثیر در سبک زندگی عمومی جامعه و اصلاح آن، می تواند بستر مناسب پیشرفت و تمدن سازی باشد.

پرسش این است که شاخص های مطلوب سبک زندگی کارگزاران نظام مردم سالاری دینی کدامند؟

فرضیه تحقیق بر اساس ابعاد سه گانه سبک زندگی کارگزاران شامل، اعتقادات سیاسی، اخلاق سیاسی و رفتار سیاسی و مولفه های مربوط به هر کدام شامل ارتباط با خدا، خود، دیگران و طبیعت بیان می شود. مردم گرایی، خدمت گذاری، ساده زیستی، عدالت محوری، مسئولیت پذیری و مهرورزی از جمله شاخص های اصلی سبک زندگی کارگزاران می باشد.

روش شناسی:

شاخص های سبک زندگی کارگزاران به روش تحلیل محتوای کیفی و تفسیری از متن نهج البلاغه و سیره حضرت علی (ع) استخراج شده است. تحلیل محتوا یک روش اکتشافی است که بر خلاف روش قیاسی، چارچوب تحلیل در آن مشخص نشده است، بلکه با تکیه به متن و متغیرهای درونی متن، محقق به دنبال کشف معنای اصلی پیام است.

تفسیر رهیافتی برای فهم چگونگی کشف زندگی در اعمال و آثار می باشد (منوچهری، 1390، 52) و برای روشن کردن یک موضوع و فعالیتی معطوف به فهم است که به جای مشاهده به تجربه درونی توجه دارد (همان، 56).

مباحث نظری: سبک زندگی

اصطلاح life style به معنای سبک زندگی، روش های زندگی را نشان می دهد. life style (سبک زندگی) به معنای روش خاص زندگی و فعالیت یک شخص یا گروه آمده است (oxford advanced, "life style", 2006).

تعاریف سبک زندگی در سه رویکرد اساسی قابل بحث می باشد.

1- رویکرد جامعه شناسانه که سبک زندگی را از جنس رفتار دانسته و ارزش ها و نگرش ها را کنار می گذارد.

در این دیدگاه، سبک زندگی چارچوبی منظم از رفتارهای جمعی و فردی است که در عرصه هایی خاص از زندگی به صورت نمادین ظهور می کند (گیدنز، 1377، 20) و بر محورهای مصرف، اصول اخلاقی، ارزشی و زیباشناختی انسجام می یابد (وبلن، 1383، 13) و مستلزم انتخاب از میان عناصر متنوع در دنیای جدید و مدرنیته است (گیدنز، 1387، 121). این انتخاب بر محور مصرف و در محدوده ساختار طبقه و گروه منزلتی است (زیمل، 1382، 56) و گروه های منزلت با توجه به اصول مصرف خود از محصولات طبقه بندی شده، که منجر به هویت بخشی به افراد، طبقات و گروه های منزلتی شده و وحدت و تمایز را به همراه دارد سبک خاصی از زندگی را نشان می دهند (weber, 1946, 193).

سبک زندگی مجموعه منسجم از رفتارها و فعالیت های یک فرد در جریان زندگی روزمره مثل شیوه پوشش، معماری، اوقات فراغت، تغذیه و نوع مناسبات اجتماعی و فرهنگی است (فیروز جاه و سهرابی، 1392، 24) و دو مفهوم دارد: 1- سبک زندگی شاخصی برای تعیین طبقه اجتماعی است. 2- سبک زندگی جایگزین طبقه اجتماعی است. در این معنا سبک زندگی، در متن تغییرات فرهنگی مدرنیته و رشد فرهنگ مصرف گرایی معنا می یابد (چاوشیان، 1381، 6).

2- رویکرد فرهنگی سبک زندگی را عنصری متکثر و نامنسجم می داند و به شیوه زمانی و تاریخی تحلیل می کند.

این تعاریف، نگاهی نمادین به سبک زندگی دارد. یعنی مردم در زندگی خود چه می پوشند، چه می خورند، اوقات فراغشان را چگونه می گذرانند و چه معنایی از چیزهای مورد استفاده خود افاده می کنند. مایلز مطالعات فرهنگی را به نحوه تماشای تلویزیون و استفاده از غذای آماده و اموراتی از این قبیل تعریف می کند (miles, 1998, 11).

ژان بودریار¹ می گوید: نابودی کالاها منبع ارزش نمادین جامعه به حساب آمده و سبک زندگی را نشان می دهد. از رهگذر مصرف چیزهای اضافی و زاید است که فرد احساس وجود و زندگی می کند (بودریار، 1390، 49-46).

جان استوری² نقش مصرف را در ایدئولوژی حاکم بر آن می داند. ایدئولوژی مصرف چنین القاء می کند که معنای زندگی را در آنچه مصرف می کنیم باید جست، نه در آنچه تولید می کنیم (استوری، 1389، 265).

3- رویکرد روانشناسانه که توجه به هدف زندگی، ارزش ها و نگرش ها را مولد سبک زندگی می داند. آدلر³ سبک زندگی را چنین تعریف می کند: دنیایی که انسان در آن زندگی می کند سبک زندگی او را می سازد. زندگی انسان هم به محیط اطراف او و میزان

¹ Jean Baudrillard

² John storey

³ Adler

تاثیرپذیری از آن و هم به هدف و تفسیر او از دنیای خود برمی گردد که در امتداد رفتار کودکی اوست (adler, 1929, 44). " هدف (زندگی) همواره در پس زمینه روان کودک از روزهای اولیه تولد، رشد روانی او را هدایت می کند. این هدف به زندگی او شکل داده و تمام حرکات او به سوی هدف منحصر به فرد هدایت می شود" (آدلر، 1379، 114). سبک زندگی، در تجربه ما، در اولین سال های دوران کودکی توسعه می یابد. این تجربه حالت ذاتی در انسان ایجاد می کند که بیشترین اثرگذاری را در زندگی او دارد (adler, 1956, 186).

با تامل و نقد ادبیات موجود، متوجه تکثر معنی و دیدگاه هایی هستیم که اولاً از جنبه توصیفی و تبیینی به مساله پرداخته و ثانیاً فاقد انسجام لازم برای ارائه تعریف واحد هستند. تا جایی که سوبل تصریح می کند: " تقریباً هیچ توافق تجربی یا مفهومی درباره این که چه چیز سازنده سبک زندگی است، وجود ندارد" (sobel, 1987, 2).

مفهوم life style با مصادیق مد، اوقات فراغت، مصرف، اقتصاد، رقابت، تکثر و تنوع، خودنمایی و رفتارهای متظاهرانه نمایان می شود. از طریق نمادها شناخته می شود که بیانگر ترجیح و انتخاب رفتارها است. بریک می گوید سبک زندگی ریشه در چیزی به نام «نمادگرایی ظاهر» symbolism of appearance دارد (brake, 1980, 14).

رویکرد جامعه شناسی و فرهنگی به دلیل رویکرد توصیفی و تبیینی و عدم تناسب با مباحث نوشتار رد می شود و تعریف روانشناسانه آدلر به علت توجه به هدف، ارزش و هنجار در زندگی با جنبه های ذیل مبنای بحث می باشد.

1- ریشه درخت سبک زندگی بر اساس وراثت و دوران کودکی، سلامت و ظاهر فرد، وضعیت اقتصادی، شکل خانواده و وضعیت جنسیتی فرد شکل می گیرد (برای مطالعه نک: جواهر ساز، 1379 و کاویانی، 1391، 92-88).

2- تنه و ساقه درخت سبک زندگی نگرش کلی حاکم بر زندگی است. یعنی نگرش فرد نسبت به زندگی که در نحوه نگرش به فرد، به مشکلات، به دیگران، به جنس مخالف و به زندگی تداعی می شود (کاویانی، 1391، 93).

3- شاخه و سرشاخه های سبک زندگی با عنوان وظایف زندگی که در سه بعد: روحیه اجتماعی و مشارکت، زندگی عشقی یا جنسی و کار و شغل صورت می گیرد (برای مطالعه نک: آدلر، 1361، 76-75).

تحلیل نظریه آدلر

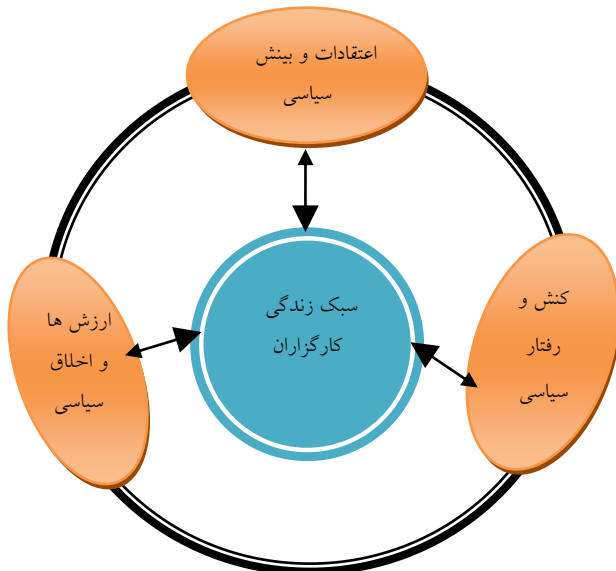
رویکرد فردی و الگوی روانشناختی به خاطر اولویت دادن به مباحث کارگزاری به جای ساختارها که عمدتاً در جامعه شناسی مطرح است مبنای نظری بحث قرار می گیرد. در این دیدگاه که مشابهت هایی با تعریف سبک زندگی در دیدگاه اسلامی دارد سبک زندگی را به عنوان ارزشها، نگرشها و ذهنیت هایی مطرح می کند که در سایه هدف زندگی جریان پیدا می کند. این امر در اسلام در قالب تفسیر و هدف زندگی و توجه به نگرش ها، ارزش ها و رفتارها تبیین می شود. این مشابهت ها در کنار تفاوت هایی که با نظریه اسلام دارد به عنوان چارچوب بحث انتخاب و با تجزیه و تحلیل دیدگاه آدلر، الگوی تحقیق شکل گرفت.

1- در دیدگاه آدلر مبنای شکل گیری و تکامل سبک زندگی، اجتماع است در حالیکه در اسلام ضمن توجه به ساخته شدن فرد در اجتماع، هر دو بعد فردی و اجتماعی مدنظر می باشد.

- 2- آدلر در تبیین سبک زندگی جزء را به نفع کل نگری رد می کند. اما در نظریه اسلامی، کلیت زندگی تابعی از هدف های بخشی بوده و اجزاء نیز به اندازه کل، مورد توجه است و هیچ وقت یکی فدای دیگری نمی شود.
- 3- آدلر معتقد است ریشه سبک زندگی در پنج سال اولیه زندگی متمرکز و در اجتماع شکل می گیرد. ولی در اسلام در تمام دوران زندگی از قبل از تولد تا مرگ تداوم دارد و محدود به پنج سال اول زندگی نمی شود.
- 4- تنه درخت سبک زندگی آدلر بر پایه نگرش کلی حاکم بر زندگی است. بر مبنای نگرش به خود، به مشکلات، دیگران، به جنس دیگری و به زندگی تبلور می یابد (کاویانی، 1391، 93). این مرحله در اسلام بر اساس گرایش ها و ارزشهای اخلاقی و باید و نبایدهایی است که موجب توجه بیشتر فرد به خود، دیگران و زندگی می شود.
- 5- شاخه درخت آدلری بر مبنای سه وظیفه: شغلی، اجتماعی و عشقی سنجیده می شود. اما در اسلام براساس اعتقادات و ارزشهای اسلامی در چهار عرصه معامله با خدا، با نفس، با دیگران و با طبیعت صورتبندی می شود.
- 6- غایت مندی و داشتن هدف در نظریه آدلر شامل هرگونه اهداف خیالی و واقعی بوده و معیار سبک زندگی تلقی می شود اما در اسلام هدف زندگی بر پایه نگاه انسان به جهان هستی و انسان ترسیم می شود.
- 7- نگاه آدلر به سبک زندگی براساس واقعیت ها و هست های زندگی است و آنچه بود و نمود دارد، در حالی که در اسلام براساس باید و نبایدها، آرمان و ارزش های غایی فرد معیار گذاری می شود.

الگوی تحلیل

تعالیم و آموزه های سیاسی اسلام براساس اعتقاد سیاسی، اخلاق سیاسی و وظایف عملی (عبادات) در سیاست سنجیده می شود. ساحت (field) بینش و شناخت (cognitive) سیاسی که نگرش، باور و جهان بینی سیاسی را شامل می شود و ساحت ارزش یا گرایش (emotional) سیاسی که شامل هیجان ها، عواطف و خلیات سیاسی هست، زمینه بروز رفتار و الگوهای عملی براساس فقه سیاسی اسلام را فراهم می کند و ساحت کنش یا رفتار (behavioral) شکل می گیرد.



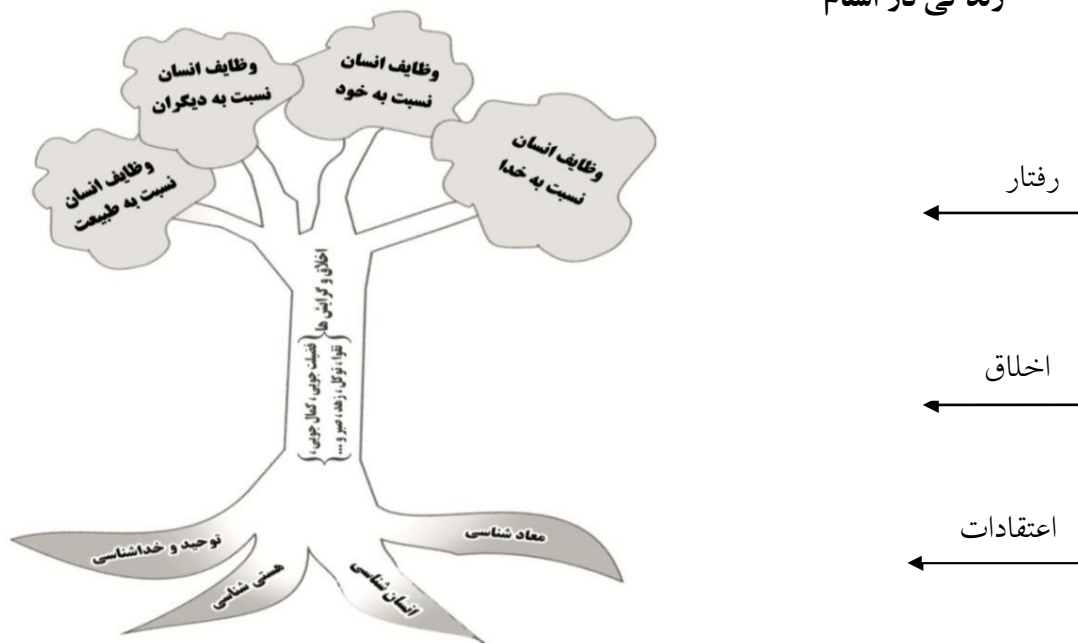
نمودار شماره 1- ابعاد سبک زندگی

اصول کافی، بر مبنای این ساختار به تدوین روایات و احادیث پرداخته است جلد اول به اصول دین، جلد دوم به دستورات اخلاقی و جلد های بعدی به عنوان به فروع دین و فقه اختصاص یافته است (برزگر، 1389، 46).

شهید مطهری تعالیم اسلامی را در سه بخش بیان می نماید: 1- معارف و اعتقادات، که هدف از آنها شناخت ایمان و اعتقاد است که به قلب، دل و فکر مربوط است. مانند مسائل مربوط به مبدأ و معاد و نبوت و ملائکه و امامت. 2- اخلاقیات و امور تربیتی، که هدف آن خصلت های روحی انسان و چگونگی بود یا نبود آنهاست مانند، تقوا، عدالت و شجاعت، جود و سخا، صبر و رضا و استقامت. 3- احکام عملی، یعنی انسان در خارج عمل خاصی انجام دهد و یا عملی که انجام می دهد چگونه باید باشد یا نباشد. به عبارت دیگر قوانین موضوعه را می گویند از قبیل: نماز، روزه، حج، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، اجاره، نکاح (مطهری، 1376، ب، 70-69) و (مطهری، 1377، ب، 16-15). به دیگر سخن: "اسلام نظامی از اعتقادات، احکام و عبادات و ارزشهای اخلاقی است که فرد را به خالق پیوند می دهد" (الطایبی، 1378، 75). براین اساس درخت سبک زندگی اسلامی چنین ترسیم می شود.

نمودار شماره 2- درخت سبک

زندگی در اسلام



الف- سیاست، اعتقادات و سبک زندگی

منظور از نظام بینش، مجموعه منسجم شناخت و باورهاست که شالوده فعالیت بشر را در گستره اندیشه شکل می دهد و در مورد جهان، انسان، زندگی و رابطه انسان با طبیعت و ماوراء الطبیعه سخن می گوید (کاشفی، 1387، 27).

دین اسلام که نظام تفسیر معنا و تجویز رفتار است از چند جهت به زندگی شیوه ارائه می نماید. 1- ارائه تفسیر روشن از حیات انسانی و ایجاد معنا برای زندگی. 2- رهایی انسان از بلا تکلیفی در شرایط دشوار و ارئه الگو برای انسان در مناسبات معرفتی با دیگران. 3- طراحی نظامی از مسئولیت ها و وظایف برای مواجهه با نیازهای انسان در زندگی. 4- تنظیم رابطه انسان با خدا و ماوراء الطبیعه برای شناخت عرصه های فراطبیعی و انسانی. 5- ارائه نظامی برای هدفمند کردن زندگی با پاسخگویی به شبهات مرگ و زندگی پس از مرگ. 6- تفسیر تجربه های دینی (رجبی نیا، 1391، 185).

پرسش از چیستی و فرآیند زندگی (life process)، برآمده از ماهیت و نحوه وجودی آدمی و هستی و آنگاه در مدار هم قرار گرفتن این دو جوهر است (فیضی، 1388، 12).

ب- سیاست، اخلاق و سبک زندگی

نظام اخلاق در قالب ارزش ها، اخلاق، حقوق، خوب و بد و مطلوب و نامطلوب قرار دارد و به انسانها می آموزد که درباره خویشتن و دیگران به چه چیزهایی اهتمام داشته و از چه چیزی پرهیز نمایند (کاشفی، 1387، 27).

اخلاق در سبک زندگی راهبرد و چارچوب رفتار و تفکر انسان است. ملا احمد نراقی در معراج السعاده، می گوید: "نمره تهذیب اخلاق رسیدن به خیر و سعادت ابدی است و باید دانست که سعادت مطلق حاصل نمی شود مگر اینکه صفحه نفس در جمیع اوقات از همه اخلاق ذمیمه خالی و به تمام اوصاف حسنه آراسته باشد" (نراقی، 1378، 32). گسترش هنجارها و قواعد اخلاقی سبک زندگی جامعه را تنظیم و به عنوان معیار زندگی افراد و گروهها در می آید.

ج- سیاست، فقه و سبک زندگی

سومین رکن آموزه های سیاسی اسلام، احکام و فقه سیاسی است. پس از درک ارزش های ناب اسلامی، انتظار این است که مطلوبیت این رفتارها از سوی افراد درک و برای نهادینه سازی سبک زندگی مومنانه ترویج شود.

عبادات مجموعه ای از رفتارهایی را است که در فرهنگ اسلامی با عنوان فروع دین یاد می شود و در کنار مجموعه اعتقادی اصول دین، ناظر بر جنبه های عملی دیانت اسلامی است (رجبی نیا، 1391، 322).

مشهورترین نقل در بعد رفتاری سبک زندگی حدیثی از امام صادق (ع) در مصباح الشریعه است. ایشان چهار نوع تعامل در زندگی را طرح می فرماید. "أَصُولُ الْمُعَامَلَاتِ، تَقَعُ عَلَى أَرْبَعَةٍ أَوْجِهٍ: مُعَامَلَةُ اللَّهِ وَمُعَامَلَةُ النَّفْسِ وَمُعَامَلَةُ الْخَلْقِ وَمُعَامَلَةُ الدُّنْيَا". اصول معاملات، بر چهار وجه است: معامله با خدا، با خود، با مردم، با دنیا.

"أَصُولُ مُعَامَلَةِ اللَّهِ، فَسَبْعَةُ أَشْيَاءٍ: أَدَاءُ حَقِّهِ وَحِفْظُ حُدُودِهِ وَشُكْرُ عَطَائِهِ وَالرِّضَا بِقَضَائِهِ وَالصَّبْرُ عَلَى بَلَائِهِ وَتَعْظِيمُ حُرْمَتِهِ وَالشُّوقُ إِلَيْهِ. اصول معامله الله، هفت چیز است: ادای حق پروردگار، حفظ و مراقبت از حدود الهی، شکر نعمت های خدا، راضی شدن به قضای او، صبر و شکیبایی بر ابتلائاتش، احترام و تعظیم او و شوق و علاقه به او".

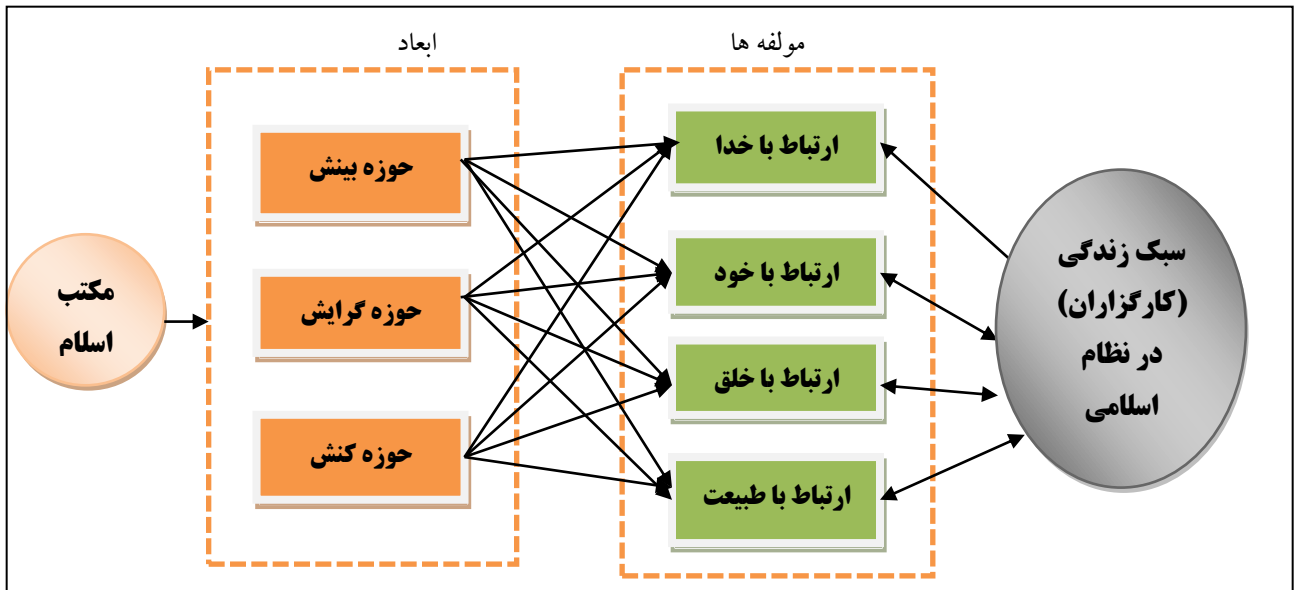
" أُصُولُ مُعَامَلَةِ النَّفْسِ، سَبْعَةٌ: الْخَوْفُ وَالْجَهْدُ وَحَمْلُ الْأَذَى وَالرِّيَاضَةُ وَطَلَبُ الصِّدْقِ وَالْإِخْلَاصُ وَإِخْرَاجُهَا مِنْ مَحْبُوبِهَا وَرَبْطُهَا فِي الْفَقْرِ. أُصُولُ مُعَامَلَةِ النَّفْسِ، هَفْتٌ شَيْءٌ: تَرَسٌ وَخَوْفٌ، مُجَاهَدَةٌ وَكُوشُشٌ، تَحْمَلُ نَارَاحَتِيهَا، صِدْقٌ وَرَاسِطِي، خُلُوصٌ نَيْتٌ، نَكْهٌ دَاشْتَنِ نَفْسِ از هَوِي وَخَوَاسْتَنِيهَا وَادْرَاكٌ وَآشِنَا شَدَنِ بَا فَقْرٌ."

" وَأُصُولُ مُعَامَلَةِ الْخَلْقِ، سَبْعَةٌ: الْحِلْمُ وَالْعَفْوُ وَالتَّوَاضُّعُ وَالسَّخَاءُ وَالشَّفَقَةُ وَالنُّصْحُ وَالْعَدْلُ وَالْإِنْصَافُ ". أُصُولُ مُعَامَلَةِ بَا مَرْدَمِ هَفْتٌ شَيْءٌ: حِلْمٌ وَبِرْدَبَارِي، عَفْوٌ وَدِرْكَشْتَنِ از خَطَاهَا، فِرْوَتَنِي وَدُورِي از تَكْبِرِ، سَخَاوَتٌ وَكِرْمٌ، مَهْرَبَانِي وَعَطُوفَتٌ، خَيْرِخَوَاهِي، عَدْلٌ وَانصَافٌ."

" وَأُصُولُ مُعَامَلَةِ الدُّنْيَا، سَبْعَةٌ: الرِّضَا بِالذُّونِ، وَالإِثَارُ بِالْمَوْجُودِ، وَتَرْكُ طَلَبِ الْمَقْقُودِ، وَبُغْضُ الْكُثْرَةِ، وَاخْتِيَارُ الزُّهْدِ، وَمَعْرِفَةُ آفَاتِهَا، وَرَفْضُ شَهَوَاتِهَا مَعَ رَفْضِ الرِّئَاسَةِ. أُصُولُ مُعَامَلَةِ بَا دُنْيَا نِيْزِ هَفْتٌ شَيْءٌ: رَاضِي بُوْدَنِ بَهْ كَمِ، اِيْثَارٌ وَگِذْشْتَنِ از دَاشْتَنِيهَايِ خُودِ، عَدَمِ طَلَبِ نَدَاشْتَنِيهَا وَاز دَسْتِ رِفْتَهَا، مَبْعُوضٌ دَاشْتَنِ دَارَايِي زِيَادِ، اِنْتِخَابِ رُوشِ زَهْدِ وَبِيْ رَغْبَتِي بَهْ دُنْيَا، شِنَاخْتِ آفَاتِ آنِ، وَتَرْكِ شَهَوَاتِ دُنْيَوِي بَا تَرْكِ رِيَاسَتِ."

" فَإِذَا حَصَلَتْ هَذِهِ الْخِصَالُ فِي نَفْسٍ وَاحِدَةٍ، فَهِيَ مِنْ خَاصَّةِ اللَّهِ وَعِبَادِهِ الْمُقْرَبِينَ وَأَوْلِيَائِهِ حَقًّا. اَيْنِ خِصُوصِيَاتِ دِرِ يَكِ نَفْرِ حَاصِلِ شُودِ از خَاصَّانِ وَبَنْدگانِ مَقْرَبِ خَدَا وَاُولِيَاءِ بَرَحَقِ اُوسْتِ " (مِصْبَاحِ الشَّرِيْعَةِ، 1361، 9-3).

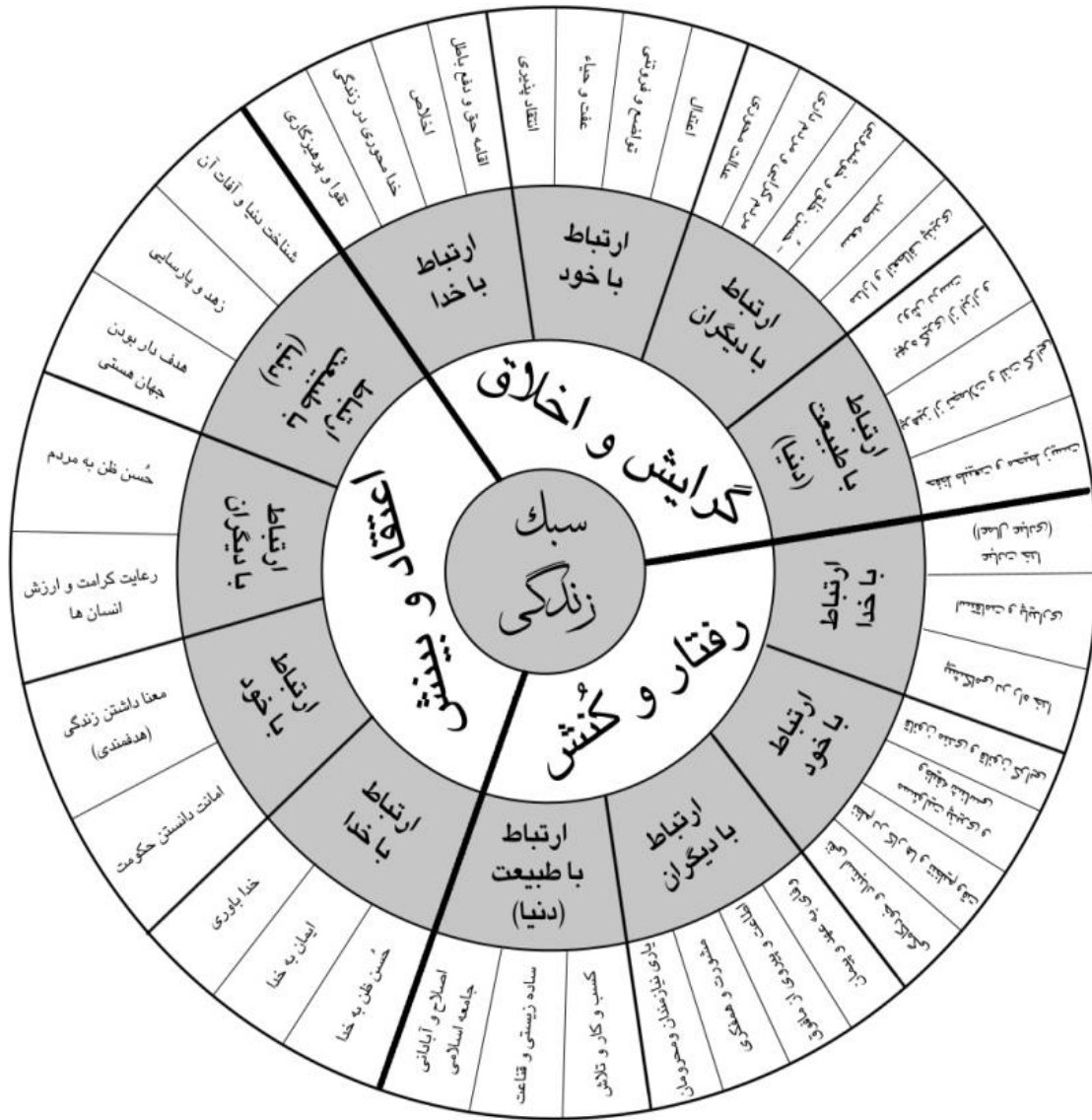
نمودار شماره 3- دستگاه معنی شناختی سبک زندگی در اسلام



سبک زندگی اسلامی عبارت است از: منطق رفتاری ثابت بر اساس ترجیحات و انتخاب های فردی مبتنی بر عقائد و ارزش های اسلامی که رفتار فرد را شکل داده و او در راه رسیدن به کمال و سعادت انسانی یاری می رساند.

بر این اساس مدل مفهومی سبک زندگی ترسیم می شود. در این مدل، محورهای اعتقادی/شناختی، اخلاقی/گرایشی و رفتاری/کنشی، به عنوان ابعاد اصلی در نظر گرفته می شود. این ابعاد سه گانه در قالب چهار مولفه عینی مورد بررسی و تحلیل قرار می گیرد. هر کدام از این مولفه ها نیز با چند شاخص عینی بررسی می شود. شاخصه های سبک زندگی (دایره آخر) از متن نهج البلاغه به عنوان اسلام حق شخصیتی و نمونه مطلوب نظری کارگزاران و سیره حضرت علی(ع) به عنوان نمونه مطلوب عملی کارگزاران استخراج شده است.

نمودار شماره 4- مدل مفهومی سبک زندگی کارگزاران



مفهوم کارگزار

کارگزار نظام اسلامی نماینده حاکم اسلامی است که مسئولیت‌هایی را از طرف وی در امور اجتماعی، سیاسی و نظامی عهده دار می‌شود؛ از این رو باید مورد اطمینان حاکم اسلامی باشد. کسی که در دولت اسلامی مسئولیت خطیر به عهده داشته، از سوی حکومت و مردم برگزیده می‌شود. کارگزاران نظام مردم سالاری دینی ایران شامل: سطوح روسای قوای سه گانه، وزراء و معاونین وزراء، اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، نمایندگان مجلس شورای اسلامی و فرماندهان نیروهای نظامی، استانداران و غیره در طول 36 سال گذشته می‌باشد. در نظام اسلامی وظایف امام در زمان غیبت کبری به ولی فقیه به عنوان نایب امام تفویض واگذار می‌شود که نخبه‌ترین فرد و شایسته‌ترین شخص برای اداره جامعه می‌باشد. اسلام و مبانی دینی به مثابه ساخت این نظام می‌باشد که در قانون اساسی و قوانین جاری در کشور باید پیاده شود. برای اجرای دستورات و تعالیم دینی در نظام مردم سالاری دینی و پاسخگویی به نیازهای مردم، اداره جامعه و ارائه سبک زندگی اسلامی به مردم، سیستم و ساختار مشخص و خاصی با ترکیب قوای سه گانه، مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای نگهبان و قوای مسلح برای ساخت فوق طراحی شده است.

شاخص‌های سبک زندگی کارگزاران

حضرت امام(علی) درباره همه شئون زندگی سخن گفته و خصوصاً در فرمان به مالک اشتر، وظایف همه افراد بشر را در پست‌های مختلف از فرمانروا، قاضی، کارگر و کشاورز گرفته تا وظیفه والی و مردم نسبت به هم بیان فرموده است. بنابراین سیاست آن عین دیانت، حکومت آن کلید اجرای شریعت و والی آن مفسر نظام شناخته شده است(قربانی، 1386، 76). در این نوشتار تمرکز اصلی بر استخراج شاخص‌های سبک زندگی کارگزاران از نهج البلاغه به عنوان منبع معرفتی در اندیشه سیاسی اسلام و سیره حضرت علی(ع) به عنوان الگوی کارگزار حکومتی در اسلام می‌باشد که با روش تحلیل محتوا، در سه بعد اعتقاد، اخلاق و رفتار سیاسی استخراج و سپس تجویز می‌نماید.

1- سبک زندگی، عقائد سیاسی و کارگزاران

عقائد سیاسی به عنوان اولین زیر مجموعه حکومتی اسلام چگونه با سبک زندگی ارتباط برقرار می‌کند؟ عقائد در محورهای توحید و خداشناسی، جهان(هستی) شناسی، انسان شناسی تفسیر شده و در ذیل آن نیز به جهان دیگر و رابطه آن با سبک زندگی توجه می‌شود. شاخص‌های اعتقادی سبک زندگی برای کارگزاران را می‌توان در موارد زیر بیان کرد.

1/1- سبک زندگی در پرتو معنای زندگی: رابطه زندگی دنیوی و اخروی تابع معنای زندگی است. در مکتب توحیدی سبک زندگی فرد معنای متعالی تری پیدا کرده و آخرت را نیز شامل می‌شود. حضرت به امام حسن(ع) فرمود: "وَاعْلَمَ يَا بُنَيَّ أَنَّكَ إِنَّمَا خُلِقْتَ لِلْآخِرَةِ لَا لِلدُّنْيَا. اَيْ پسر! تو تنها برای آخرت خلق شده ای نه برای دنیا"(فیض الاسلام، 1366، نامه 31، 926). و نیز فرمودند: "فَإِنَّ الدُّنْيَا لَمْ تَخْلُقْ لَكُمْ دَارَ مَقَامٍ بَلْ خُلِقَتْ لَكُمْ مَجَازًا. دنیا به عنوان سرای ماندگاری شما آفریده نشده است، بلکه

گذرگاهی است تا کارهای شایسته را زاد راه سفر به سرای ثابت برگیرید" (فیض الاسلام، 1366، خطبه 132، 409). معنادار بودن زندگی انسان، سبک زندگی را هدفمند می کند.

1/2- ایمان قلبی کارگزاران: در نظام اسلامی مدیریت جامعه به کسانی واگذار می شود که در همه مسائل اعتقادی (اندیشه و عمل)، به وحدانیت خداوند، رسالت پیامبران و امامت ائمه اطهار(ع) ایمان کامل داشته باشد. این گونه انسانها با عناوینی چون صالحین، متقین و نیکوکاران در مسند زمامداری قرار می گیرند. در قرآن نیز مبنای عمل انسان ایمان در زندگی است (انعام، 82)، (انبیاء، 105). مدیریت جامعه اسلامی بدون ایمان راسخ، انسان را از مسیر خدمت گذاری به مردم به سمت دنیاگرایی، خود شیفتگی، استبداد و ... سوق داده و تاثیرات منفی بر پیکره جامعه می گذارد.

در دیدگاه علی(ع) استواری انسان به ایمان اوست. "فَاتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ تَقِيَةً ذِي لُبِّ شَعْلٍ التَّفَكُّرُ قَلْبُهُ. ای بندگان خدا از خدا مانند ترسیدن خردمندی که اندیشه، دل او را مشغول کرده بترسید" (فیض الاسلام، 1366، خطبه 82، 192).

1/3- خداباوری در حکومت: آنچه که بعد از ایمان راسخ به خدا در زندگی او موثر است باور به خدا و او را در صحنه زندگی حاضر دانستن است. به طوری که مصداق "لا موثر فی الوجود الا الله" در زندگی او تجلی یابد و خود را همیشه در محضر خدا بداند. نکته مهم در سیره و گفتار حضرت علی(ع) اعتقاد و باور قلبی به خدا و زندگی در سایه خدا باوری است. امیرمؤمنان (ع) می فرماید: "وَمِنْهَا قَدْرٌ مَا خَلَقَ فَأَحْكَمَ تَقْدِيرَهُ وَ دَبَّرَهُ فَأَلْطَفَ تَدْبِيرَهُ وَ وَجَّهَهُ لَوَجْهَتِهِ فَلَمْ يَتَعَدَّ حُدُودَ مَنَزَلَتِهِ. از صفات خداوند است که هر چه آفرید، برای او اندازه و مقداری معین کرد و آن را نیک استوار نمود و به لطف خویش منظم ساخت و به سوی کمال وجودش متوجه کرد تا از حد خود تجاوز نکند" (فیض الاسلام، 1366، خطبه 90، 240).

1/4- حسن ظن به خدا: حسن ظن به خدا، از لوازم ایمان بلکه حقیقت ایمان است و ریشه در معرفت و ایمان انسان دارد. امیرالمومنین علی(ع) می فرماید: "الْتِقَةُ بِاللَّهِ وَ حُسْنُ الظَّنِّ بِهِ حِصْنٌ لَا يَتَحَصَّنُ بِهِ إِلَّا كُلُّ مُؤْمِنٍ. اعتماد و حسن ظن به خدا قلعه محکمی است که جز بنده مومن کسی در آن پناه نمی گیرد" (کلینی، 1365، ج 4، 433).

سوء ظن زیاد موجب ویرانی جامعه و بدبختی انسان ها و تشتت کارها شده و حسن ظن مایه آرامش و وحدت است. حسن ظن به خدا فقط جنبه امیدواری نیست بلکه مرکب از امید و بیم است. کارگزاران نظام به عنوان رهبران جامعه اسلامی و برای اصلاح امور مردم باید در امور مادی و معنوی به خدا حسن ظن و امیدواری داشته باشند.

1/4- هدفمندی جهان هستی (طبیعت): طبیعت و دنیا آن چنان خلق و تدبیر شده که منافع و نیازهای انسان را در دل خود جای داده و نسبت به نیازهای انسان بیگانه نیست. انسان نیز نباید نگرشی داشته باشد که طبیعت را همانند ذری تسخیر ناپذیر و مقاوم ببیند. در دیدگاه امام همه چیز در جهان هستی هدفدار آفریده شده است: "آگاه باشید زمینی که شما را بر روی خود نگاه داشته و آسمانی که شما را در سایه اش قرار داده فرمانبردار پروردگارتانند. ... مأمورند که سودها به شما برسانند و اطاعت امر کرده، برای انجام مصالح شما قیام نموده اند" (فیض الاسلام، 1366، خطبه 143، 433).

1/5- زهد و پارسایی: زهد یا پارسایی معنای متفاوتی با ساده زیستی دارد. زهد به معنای بی میلی و بی رغبتی به دنیا بوده و ارزش انسانی است. زهد به معنای بی میلی، بی رغبتی ترک و پشت کردن به چیزی است (ابوالعباس، 1425ق، 257). علی (ع) می فرماید: "مِنْ هَوَانِ الدُّنْيَا عَلَى اللَّهِ أَنَّهُ لَا يُعْصَى إِلَّا فِيهَا وَلَا يُنَالُ مَا عِنْدَهُ إِلَّا بِتَرْكِهَا. خواری دنیا نزد خدا آنست که او را در دنیا معصیت کنند و به او در دوری از دنیا نزدیک شوند" (فیض الاسلام، 1366، حکمت 377، 1269).

امام علی (ع) به عنوان اسوه و پیشوای زهد در تاریخ بشریت می فرماید: سبکبار باشید تا به مقصد برسید. بی میلی به دنیا برای هر کسی خوب است اما برای رهبران جامعه اسلامی که در معرض دستیابی به تمتعات دنیایی و افتادن در دام دنیا و وسوسه های شیطانی هستند ضروری است.

1/6- حسن ظن به دیگران:

حضرت علی علیرغم همه دشمنی ها بیشترین حسن ظن را به مردم داشت. به مالک می فرماید: "وَأَعْلَمُ أَنَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ بِأَدْعَى إِلَيَّ حُسْنِ ظَنِّ وَالْبِرِّعَةِ مِنْ إِحْسَانِهِ إِلَيْهِمْ بدان که برای خوش بینی حاکم نسبت به رعیت، چیزی بهتر از نیکویی و بخشش او به ایشان و سبک گردانیدن هزینه های آنها و رنجش نداشتن از آنان بر چیزی که حقی به آنها ندارد نیست" (همان، نامه 53، 1001). در اندیشه سیاسی اسلام خوش گمانی نسبت به دیگران باعث آسودگی خاطر و آرامش در مدیریت جامعه می شود. مسئولانی که از ناحیه مردم خیالشان راحت نباشد نمی توانند به وظیفه اصلی خود عمل نمایند. بر اساس فرمایش حضرت امیر کارگزاران باید با عملکرد عالی و نیکی به مردم، دفع مشقت ها و رنج مردم و... حسن ظن خود را در مردم و بالعکس ایجاد نمایند.

1/7- امانت دانستن مسئولیت: در سیاست اسلامی دولت و مدیریت جامعه اسلامی یک امانت بزرگ محسوب می شود که هر کسی نمی تواند بار سنگین این امانت را به دوش بکشد مگر کسانی که به مسند قدرت به چشم امانت نگاه کنند. امین بودن پیامبر اسلام قبل از پیامبری، امر پذیرش رسالت را در برابر پیامبر آسان می نمود. در جریان برخورد حضرت موسی با حضرت شعیب، دختر شعیب به پدرش گفت: این جوان امین را به خدمت اجیر کن زیرا که او در کارش قوی و امین است (قصص، 26). امیرالمومنین (ع) در نامه ای به اشعث بن قیس فرماندار آذربایجان می فرماید "إِنَّ عَمَلَكَ لَيْسَ لَكَ بِطُعْمَةٍ وَلَكِنَّهُ فِي عُنُقِكَ أَمَانَةٌ وَ أَنْتَ مُسْتَرَعَى لِمَنْ فَوْقَكَ. ریاستی که به تو واگذار شده امانتی است که بر گردنت گذارده شده و تو نگهدارنده امانت را به عهده گرفته ای." (فیض الاسلام، 1366، نامه 5، 839).

1/8- رعایت کرامت انسانها و احترام به حقوق دیگران: در سیاست اسلامی هر فرد در جامعه، کرامت و حقوقی دارد و تجاوز به آزادی و حقوق افراد، ظلم به حساب می آید. کرامت به دو نوع ذاتی و اکتسابی تقسیم می شود. آنجا که حضرت می فرماید مردم "اخ لك في الدين" هستند کرامت اکتسابی است و "نظير لك في الخلق" که اشاره به کرامت ذاتی است.

امام علی کارگزاران خود را به رعایت حقوق انسانها سفارش می کند: "وَلَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا ضَارِيًا تَغْتَنِمُ أَكْلَهُمْ فَإِنَّهُمْ صِنْفَانِ إِمَّا أَخٌ لَكَ فِي الدِّينِ وَإِمَّا نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ مبدا نسبت به مردم جانور درنده بوده خوردنشان را غنیمت دانی که آنان دو دسته اند: یا با

تو برادر دینیند یا در آفرینش مانند تو هستند ... پس با بخشش و گذشت خود آنان را عفو کن همانطور که دوست داری خدا با بخشش و گذشتش تو را بیامرزد" (فیض الاسلام، 1366، نامه 53، 993).

ایشان در باره زیر پا گذاشتن مظلوم هشدار می دهد: "يَوْمَ الْمَظْلُومِ عَلَى الظَّالِمِ أَشَدُّ مِنْ يَوْمِ الظَّالِمِ عَلَى الْمَظْلُومِ. روز انتقام مظلوم از ظالم، شدیدتر از روز ستم کردن ظالم بر مظلوم است" (فیض الاسلام، 1366، حکمت 233، 1246). بنابراین کارگزاران نظام اسلامی نیز بایستی همواره در مقابل ظالم و ظلم قیام کرده و اجازه تعدی و گسترش ظلم در جامعه را ندهند.

2- سبک زندگی، اخلاق سیاسی و کارگزاران

ارزش ها و اخلاق اسلامی دروازه ورود انسان به سرزمین اعمال انسانی است. کارگزاران نظام اسلامی به عنوان هادیان و الگوهای جامعه باید از جهات مختلف اخلاقی، انسانی وارسته و مهذب باشند. مجموعه اخلاق سیاسی مثل؛ عدالت و شجاعت، شرح صدر، رافت و رحمت، احسان و عدل و وفا، گذشت و ایثار، نظم و التزام به قانون، دوری از دروغ و فخرفروشی، عیب جویی و منت گذاری، خشم و غرور و انتقامجویی و... همگی برای کارگزار از واجبات می باشد.

2/1- تقوا، پرهیزکاری و خودسازی کارگزاران: تقوای سیاسی یعنی آمادگی کامل سیاستمدار برای کسب معلومات و تجربیات و بهره برداری از استعدادهای موجود برای رساندن جامعه به کمال مطلوب با رعایت تقوای الهی در همه مراحل فکری و اجرایی" (میرتاج الدینی، 1376، 38).

حضرت علی(ع) پنج دستور اصلی در خصوص اصلاح نفس والی و خودسازی او می دهد. "أَمْرُهُ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ إِيثارِ طَاعَتِهِ وَ اتِّبَاعِ مَا أَمَرَ بِهِ فِي كِتَابِهِ مِنْ فَرَائِضِهِ وَ سُنَنِهِ الَّتِي لَا يَسَعِدُ أَحَدٌ إِلَّا بِاتِّبَاعِهَا ... (فیض الاسلام، 1366، نامه 53، 991). حضرت فرمود: "آنان زبان خویش در بند کرده سخن جز به صواب نمی گویند و از بیهوده گویی می پرهیزند. با دیگران، کلامی نرم و توأم با ادب دارند، صدایشان را بلند نمی کنند و... (فیض الاسلام، 1366، 618-611). در نگاه حضرت کارگزاران قبل از اصلاح جامعه باید خود را ساخته باشند. مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَعَلَيْهِ أَنْ يُبَدَأَ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ ... هر کس خود را پیشوای مردم نمود باید قبل از آموختن به دیگران به تعلیم نفس خویش پردازد... (همان، حکمت 70، 1117).

2/2 - خدامحوری در زندگی و سیاست: در کلام و عمل حضرت علی(ع)، خدا در زندگی فردی و صحنه سیاست حضور دارد: "عَظُمَ الْخَالِقُ فِي أَنْفُسِهِمْ فَصَغُرَ مَا دُونَهُ فِي أَعْيُنِهِمْ... خداوند در نظر آنان بزرگ و غیر او در دیده آنها کوچک است..." (فیض الاسلام، 1366، خطبه 184، 611). امام در پاسخ فرماندار بصره (ابن عباس) که مقداری از بیت المال مسلمانان را برداشته و به مکه گریخته بود می نویسد: از خدا بترس و اموال آنان را بازگردان، اگر چنین نکنی تو را کیفر خواهیم کرد. سوگند به خدا اگر حسن و حسین چنان می کردند از من روی خوش نمی دیدند تا آن که حق را از آنان بازپس ستانم" (همان، نامه 41، 957). در این نامه محور کلام امام، خدا و رضایت اوست که مدیران نیز باید چنین کنند.

2/3- عدالت سیاسی: عدالت علاوه بر پیشبرد اهداف الهی در جامعه و تمیز حق و باطل، سبک زندگی انسان را تغییر می دهد. کسی که به عدالت رفتار کند. گویا ترین آیه در مورد عدالت آیه 25 سوره حدید است.

اساس حکومت حضرت بر عدالت بنا نهاده شد. سبک زندگی او هم به جز عدالت نبود. او هیچ ملاکی اعم از عرب بودن یا از تبار خلیفه یا اهل مکه و مدینه بودن یا سبقت در اسلام و شمشیر زدن در جنگ‌ها همراه پیامبر(ص) یا از قبیله قریش بودن و ... را ملاک برتری نمی دانست و معتقد بود این عوامل باعث آن نمی شود که بیت المال به صورت نابرابر میان آنان تقسیم گردد. (ابن ابی الحدید، 1378ق، ج 7، 41-42). اوج عدالت امام مربوط به برخوردشان با عقیل است(برای مطالعه نک: فیض الاسلام، 1366، خطبه 713، 215).

2/4 - **پرهیز از تجملات، تشریفات و لذت گرایی:** یکی از ابتانات کارگزاران، گرایش به تجملات و تشریفات است. امام خمینی(ره) بر دوری مسئولان از تجمل گرایی تأکید دارند: "مصیبت هایی که ملتها می کشند از این است که متصدیان امورشان از قشر مرفه و از اشراف و اعیان جامعه، در پی این هستند که ثرویشان را زیاد کنند" (فیض الاسلام، 1378، 1366، ج 16، 443). علی(ع) عثمان بن حنیف استاندار بصره را به خاطر شرکت در مجلس ثروتمندان مژمت می کند: "امام و رهبر شما از دنیا به یک جامه و از غذا به دو قرص نان اکتفا کرده است. اگر بخوام می توانم غذای خویش را از عسل مصفی و مغز گندم و لباس خویش را از ابریشم قرار دهم... چگونه ممکن است هوای نفس بر من غلبه کند در صورتی که شاید در حجاز یا یمامه افرادی باشند که امید همین قرص نان را هم ندارند... (فیض الاسلام، 1366، نامه 45، 966).

2/5 - **تواضع و فروتنی سیاسی:** براساس اندیشه سیاسی اسلام خصلت فروتنی از همه مردم پسندیده و از رهبران جامعه اسلامی پسندیده تر است. حضرت به یکی از کارگزاران خود می فرماید: "وَ اخْفِضْ لِلرَّعِيَةِ جَنَاحَكَ وَ ابْسُطْ لَهُمْ وَجْهَكَ وَ اَلِنْ لَهُمْ جَانِبَكَ و برای رعیت بالت را فرود آور، و رویت را بگشا، و پهلویت را نرم کن" (فیض الاسلام، 1366، نامه 46، 976). در دیدگاه امام علی موقعیت کارگزار نظام اسلامی نباید سبب شود تا در مقابل مردم و دیگران مغرور شده و تواضع نکند.

رسول خدا می فرماید: "من تواضع لله رفعه الله و من تكبر حفظه الله. هر کس به خاطر خدا برای مردم تواضع نماید خداوند نیز رفعت و محبت او را در نزد مردم زیاد می کند" (مجلسی، 1403، ج 75، 126).

2/6 - **بهره گیری از روش درست در سیاست:** کارگزار نظام اسلامی نمی تواند از روش های نادرست بهره ببرد. همانطور که حضرت در سخت ترین شرایط مثل؛ ماجرای انتخاب خلیفه سوم علیرغم وجود زمینه کافی برای رسیدن به خلافت از ابزار نادرست استفاده نکرد و خلافت به عثمان رسید. ایشان می فرمایند: "مَا ظَفِرَ مَنْ ظَفِرَ الْأَيْثَمِ بِهِ وَ الْعَالِبُ بِالشَّرِّ مَغْلُوبٌ". کسی که به وسیله گناه پیروز شود، پیروز نیست و کسی که با شر و ستم چیره گردد در واقع شکست خورده است" (فیض الاسلام، 1366، حکمت 319، 1241).

امام در تفاوت سیاست خود با معاویه می فرماید: "معاویه از من زیرکتر نیست، اما او خیانت و معصیت می نماید. اگر مکر نکوهیده نبود من زیرکترین مردم بودم، ولی هر مگری گناه و هر گناهی نافرمانی است" (فیض الاسلام، 1366، خطبه 191، 649). در دیدگاه علی(ع) حکومت زمانی اعتبار دارد که وسیله تحقق اهداف الهی و انسانی، برپایی عدالت و رفاقت همگانی و حفظ حرمت و حقوق انسانی و بستر تعالی آدمی باشد(دلشاد تهرانی، 1389، 88-90).

2/7 - **حیاء و عفت سیاسی:** شرط ضروری برای یک کارگزار خوب، داشتن حیاء و عفت است تا حریم و شئون مردم، جامعه و محیط پیرامون را رعایت کند. حضرت علی(ع) حیاء و عفت و حریم داری را به مثابه ایمان و بلکه بالاتر از آن دانسته اند. "لا ایمان کالحیاء" (فیض الاسلام، 1366، حکمت 109، 1139). در جای دیگر می فرماید: "وَمَنْ قَلَّ حَيَاؤُهُ قَلَّ وَرَعُهُ. هر کس حیاءش کم باشد پارسایی درون او کم می شود" (فیض الاسلام، 1366، حکمت 341، 1249).

حضرت به توأم بودن حیاء و عفت اشاره می فرماید: "عفت و پاکدامنی هر شخص به میزان حیاء اوست و این دو رابطه مستقیم با هم دارند. علی قدر الحیاء تكون العفة" (خوانساری، 1360، 326).

2/8 - **انتقادپذیری و پرهیز از چاپلوسان در اداره جامعه:** در سیره سیاسی علی(ع) راه انتقاد و نصیحت باز بود. در حاکمیت اگر چه از خطا دور بوده اما همیشه برای انتقادپذیری آماده بود. هیچ وقت تحت تاثیر مداحی ستایشگران و چاپلوسان قرار نگرفته و خودشیفته نمی شد. می فرماید: "با من سخنانی که با گردنکشان گفته می شود نگویید و آنچه را از حاکمان خشمگین پنهان می نمایید از من پنهان ننمائید. به مدارا و چاپلوسی با من سخن نگویید ... " (فیض الاسلام، 1366، خطبه 207، 687). "فَاعْيُونِي بِمُنَاصِحَةِ خَلِيَّتِهِ مِنَ الْغَيْشِ سَلِيمَةٍ مِنَ الرَّيْبِ. پس مرا با خیرخواهی خالصانه و عاری از هر گونه شک و ناراستی یاری کنید" (همان، خطبه 117، 367). مدیر انتقادپذیر به نظر نخبگان و مردم احترام گذاشته و قبل از دفاع از همفکران خود به نقد منتقدان توجه می نماید.

2/9 - **اعتدال و میانه روی در حکومت:** قرآن امت اسلام را امت میانه معرفی می کند. "كذالك جعلناكم امة وسطا" (بقره، 143). یعنی امتی که در باور و کردار خود نه افراط و نه تفریط می کند، بلکه حد وسط دنیا و آخرت، جسم و روح و طبیعت و ماورای طبیعت را انتخاب می کنند و در این طریق سالک الی الله هستند (طباطبایی، 1374، ج 1، 319). امام علی(ع) به مالک اشتر می فرماید: "وَلْيَكُنْ أَحَبُّ الْأُمُورِ إِلَيْكَ أَوْسَطُهَا فِي الْحَقِّ وَأَعْمَهَا فِي الْعَدْلِ وَأَجْمَعُهَا لِرِضَى الرَّعِيَّةِ. کاری که باید بیشتر دوست داشته باشی میانه روی در حق است، و همگانی کردن آن در برابری و دادگری که بیشتر سبب خوشنودی رعیت می گردد" (فیض الاسلام، 1366، نامه 53، 996). اندیشه اجتماعی امام علی(ع) مبتنی بر اصل اعتدال است: "الْيَمِينُ وَالشِّمَالُ مَضَلَّةٌ وَالطَّرِيقُ الْوَسْطَى هِيَ الْجَادَةُ ... (فیض الاسلام، 1366، خطبه 16، 69).

اعتدال در حکومت به معنای شعاردادن و مطرح کردن نمادین اعتدال نیست بلکه باید در منش کارگزاران دیده شود.

2/10 - **خوش رویی، مهربانی و محبت ورزی:** حضرت علی الگوی عملی مسلمانان در محبت ورزی و حسن خلق در حکومت داری است. در فرمانش به مالک می فرماید: "وَأَشْعِرْ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ وَالْمَحَبَّةَ لَهُمْ وَاللُّطْفَ بِهِمْ. ای مالک رحمت و محبت و لطف بر رعیت را شعار قلبت قرار بده و به قلبت بچسبان" (فیض الاسلام، 1366، نامه 53، 991). حضرت به محمدبن ابی بکر چنین فرمود: "فَاخْفِضْ لَهُمْ جَنَاحَكَ وَأَلِنْ لَهُمْ جَانِبَكَ وَأَبْسُطْ لَهُمْ وَجْهَكَ بالت را برای مردم بگستران و پهلویت را برایشان هموار دار و با آنان گشاده رو باش ... " (فیض الاسلام، 1366، نامه 27، 886).

امام علی(ع) خوش رویی را تا آن اندازه مهم می داند که از آن به عنوان رأس سیاست یاد می کند(آمدی، 1381، ج 1، 371) و از مهرورزی و خوش خلقی نیز با عنوان بهترین سیاست یاد می کند(آمدی، 1381، ج 1، 294).

2/11- مردمی بودن و مردم گرایی در حکومت: حکومت بدون مشارکت مردم همانند کبوتر بال شکسته است که به هدف نمی رسد. اگر کارگزاری پایگاه مردمی خود را از دست داد، در ایفای مسئولیت خود موفق نخواهد بود. حضرت همواره کارگزاران را به ارتباط با مردم توصیه می کند. او در نامه خود به مالک اشتر می نویسد: "فَلَا تُطَوِّكُنَّ احْتِجَابَكَ عَنْ رَعِيَّتِكَ فَإِنَّ احْتِجَابَ الْوَلَاءِ عَنِ الرَّعِيَةِ شُعْبَةٌ مِنَ الضِّيقِ...". مبدا مدت طولانی از مردم فاصله بگیری، زیرا احتجاب حکام از مردم خود نوعی تنگنا و باعث بی اطلاعی از حقایق است... "(فیض الاسلام، 1366، نامه 53، 1024).

توجه به مردم و ارتباط مستمر با آنان باعث افزایش سرمایه اجتماعی نظام و پشتوانه مردمی آن می شود.

2/12- مدارا و انعطاف پذیری سیاسی: مدارا کردن با مردم بیشتر از همه متوجه کارگزاران می باشد. حضرت علی الگوی عملی و نظری مدارا در زندگی و گفتار می باشد. می فرماید: نعم السياسة الرفق. بهترین سیاست به کار گرفتن رفق است(آمدی، 1381، 441). نمونه مدارای حضرت را می توان در برخورد با سپاهیان جمل پس از جنگ و برخورد با خوارج و سپاهیان نهروان بیان کرد(رشاد، 1380، 35-34). نکته مهم در مدارا کردن، عدم مدارا در اصول دین است. ایشان می فرمایند: به جانم سوگند که در مبارزه با مخالفان حق و آنان که در گمراهی غوطه ورنند لحظه ای مدارا و سستی نمی کنم(رشاد، 1380، 36).

2/13- سعه صدر در حکومت: به معنای با حوصلگی، گشادگی نظر و همت بلند از صفات ضروری کارگزاران است. هر چقدر مسئولیت سنگین تر باشد به همان اندازه میزان تحمل و سعه صدر نیز باید بیشتر باشد. از دیدگاه حضرت، ابزار ریاست و رمز موفقیت کارگزاران سعه صدر است: "آلَةُ الرَّيَاسَةِ سَعَةُ الصَّدْرِ" (فیض الاسلام، 1366، حکمت 167، 1169).

امام علی(ع) به حارث همدانی فرمود: "وَ اكْظِمِ الْعَيْظَ وَ تَجَاوَزْ عِنْدَ الْمُقْدِرَةِ وَ احْلَمْ عِنْدَ الْغَضَبِ". خشم را فرو نشان و هنگام توانایی بگذر و هنگام تند خوئی بردبار باش" (فیض الاسلام، 1366، نامه 69، 1067). و به مالک فرمود: "ثُمَّ احْتَمِلِ الْخُرْقَ مِنْهُمْ وَ اَلِئِي وَ نَحِّ عَنَّهُمُ الضِّيقَ وَ اَلْأَنْفَ يَبْسُطِ اللَّهُ عَلَيْكَ". تندخویی آنها را در سخن گفتن تحمل کن و دلتنگی و کبر و نخوت را از خود دور ساز که این کار رحمت الهی را به سویت روانه می سازد" (فیض الاسلام، 1366، 1366، نامه 53، 1019).

2/14- اخلاص در عمل کارگزاران: حضرت کار را فقط برای رضای خدا و بدون انگیزه شخصی و نفسانی انجام می داد. زهد و بی اعتنایی و بی رغبتی او نسبت به شهوات و زخارف دنیایی، فداکاری او در میدانهای مختلف، عبادت، عدل و دادگری و رأفت آن بزرگوار، پیشقدمی او و همه صفات نیک در سایه اخلاص و صفای وجودی او بود.

حضرت درباره اخلاص خود در راه خدا فرمود: "فَلَمَّا رَأَى اللَّهُ صِدْقَنَا أَنْزَلَ بَعْدُونَا الْكَبْتَ وَ أَنْزَلَ عَلَيْنَا النَّصْرَ". وقتی در راه خدا با اخلاص و صادقانه عمل کردیم و خدای متعال این را از ما دید، دشمن ما را سرکوب کرد و ما را پیروز نمود. بعد می فرماید: اگر این طور نبود، این کارها انجام نمی شد. یک شاخه ایمان سبز نمی شد و یک پایه دین بر سر پا نمی ماند. به برکت اخلاص مسلمین، این پیشرفتها انجام شد و جامعه ای اسلامی پدید آمد" (فیض الاسلام، 1366، خطبه 55، 144).

2/15- وظیفه کارگزاران در اقامه حق و دفع باطل: امیرالمومنین هدف از تشکیل حکومت را بر پایی حق و دفع باطل می‌داند. کارگزاران خود را برای زنده نگهداشتن آن امر می‌کند: "إِنَّ أَفْضَلَ النَّاسِ عِنْدَ اللَّهِ مَنْ كَانَ الْعَمَلُ بِالْحَقِّ أَحَبَّ إِلَيْهِ وَإِنْ نَقَصَهُ وَكَرَّهُهُ مِنَ الْبَاطِلِ وَإِنْ جَرَّ إِلَيْهِ فَائِدَةٌ وَزَادَهُ. برترین مردم نزد خدا کسی است که عمل به حق را بیشتر از باطل دوست داشته باشد اگر چه حق به او زیان رسانده و انده‌گین اش نماید و باطل سود داشته و بهره‌مندش سازد" (فیض الاسلام، 1366، خطبه 125، 387). حضرت ارزش‌گزاری به دنیا و حکومت را در گرو اقامه حق و دفع باطل قلمداد می‌نماید. ایشان در قبل از جنگ جمل در حالی که مشغول دوختن کفش خود بود به ابن عباس می‌گوید "سوگند بخدا این کفش نزد من از امارت و حکومت بر شما محبوبتر است، مگر آنکه حقی را برپا سازم و باطلی را دفع نمایم" (فیض الاسلام، 1366، نامه 33، 111).

3- سبک زندگی، فقه سیاسی و کارگزاران

فقه (احکام) سیاسی به عنوان بعد سوم زندگی کارگزاران در رفتار و کنش ظهور یافته و چارچوب سبک زندگی او را عینیت می‌بخشد. سوالی که در این قسمت مطرح می‌شود این است که: چه رفتار و اعمالی باید در زندگی فردی و مدیریتی یک حاکم در نظام مردم‌سالاری دینی رعایت شود تا سبک زندگی او منطبق با اسلام حقیقی باشد

3/1- کار و تلاش و درآمد مشروع سیاسی: امیرالمؤمنین (ع) در زمان حکومت و قبل از آن شخصا کار می‌کرد. با کلنگ زمین می‌کند و آن را آبیاری می‌کرد و بارهای هسته خرما را روی شانه می‌گذاشت و به صحرا می‌برد و بر زمین می‌فشاند (برقی قمی، 1379، 55).

در اندیشه و مرام امام کار از تقدس و احترام خاص برخوردار است: "پاداش هرکس در قبال کاری است که انجام می‌دهد علی‌یاور هر کسی است که کار می‌کند و دشمن آن کسی است که به گدایی می‌پردازد" (جرداق، 1376، 235). فعالیت‌های اقتصادی، عمرانی و معیشتی حضرت در دوران خلافت چنان با برنامه‌ریزی و تحرک و تلاش مداوم بود که بیشترین بهره‌دهی را در کنار کمترین هزینه به همراه داشته است.

3/2- کمک به محرومان و یاری نیازمندان: ویژگی بارز حضرت در حکومت توجه و کمک به نیازمندان بود. و یثرون علی أنفسهم و لوکان بهم خصاصة و من یوق شح نفسه فأولئک هم المفلحون (حشر، 9). این آیه هنگامی نازل شد که امام (ع) گرسنه‌ای را که بر پیامبر وارد شده بود، به منزل خود برد و غذای خود را، به او دادند و خودشان گرسنه خوابیدند (مکارم شیرازی، 1385، 528). آیه ولایت هنگامی نازل گردید که علی (ع) در حال رکوع، انگشتی خویش را به نیازمندی انفاق می‌کند. "إنما ولیکم الله ورسوله والذین ءامنوا الذین یقیمون الصلوة ویؤتون الزکوة وهم رکعون (مائده، 55)". (طباطبایی، 1374، ج 6، 22).

امیرمؤمنان می‌فرماید: "خداوند سبحان در دارائی توانگران روزی بی‌چیزان را واجب گردانیده پس بی‌چیز گرسنه نماند مگر به سبب آنچه توانگری به او نداده است و خداوند، ایشان را از این کار مؤاخذه و بازپرسی می‌نماید (فیض الاسلام، 1366، خطبه 320، 1242). این فراز تکلیف کارگزاران را در برقراری عدالت اجتماعی و توزیع صحیح ثروت و مطالبه اموال اضافی ثروتمندان مضاعف می‌نماید تا قشر ضعیف از ثروت‌های عمومی بهره‌مند گردند.

3/3- وفای به عهد و عمل به وعده در حکومت: آیات قرآن (المائده، 1، الاسراء، 34) و سفارشات معصومین حاکی از آن است که وفای به عهد، از شرایط اساسی ایمان بوده و در مسئولیت های اجتماعی واجب است. هیچ عاملی به اندازه عهد شکنی و خلف وعده در برابر مردم نمی تواند به اعتبار کارگزاران لطمه وارد نماید. حضرت به مالک اشتر می نویسد: "عهد و پیمانی مبنی که مجبور شوی با خدعه و فریب آن را به پایان برسانی. پس از استواری پیمان سخنان دو پهلو به کار نبر. هنگامی که موظف هستی به عهده وفا کنی به شکستن آن اقدام مکن" (فیض الاسلام، 1366، نامه 53، 1028).

3/4- ساده زیستی و قناعت: ساده زیستی و قناعت یکی از ارزشهای پذیرفته شده مکتب انبیاء است از این رو رهبران الهی ساده زندگی می کردند و دیگران را نیز به این اصل مهم دعوت می کردند. حضرت علی(ع) مجسمه و مظهر ساده زیستی است. می فرماید: **لَا أَرُوضَنَّ نَفْسِي رِيَاضَةً تَهْشُ مَعَهَا إِلَى الْقُرْصِ إِذَا قَدَرْتُ عَلَيْهِ مَطْعُومًا وَ تَقْنَعُ بِالْمِلْحِ مَادُّومًا.** نفس خود را چنان تربیت می کنم که به قرص نانی شاد و شکفته گردد و در خورش به نمک قناعت کرده و بسازد" (فیض الاسلام، 1366، نامه 45، 973).

مدیری که ساده زیستی نیست، نسبت به تبعیض، ظلم و تعدی، فقر و بیچارگی مردم بی تفاوت و احساس همدردی و همدلی را از دست می دهد. چنین شخصی، ملاک فضیلت دیگران را بر خورداری های دنیوی می داند.

3/5- پیشگامی و از خودگذشتگی در حاکمیت: پیشگامی و از خودگذشتگی حضرت علی در پذیرش دین، یاری رسول خدا، همراهی پیامبر(ص) در تمام جنگ ها، غزوات و تمام عرصه های خطر و خطر پذیری، مثل لیله المیبت و دهها نمونه دیگر نشان از زندگی سرتاسر از عشق به خداوند متعال دارد که به عنوان سرمشق مسلمانان و الگوی سیاستمداران و کارگزاران جامعه اسلامی می باشد. قرآن درباره فداکاری حضرت در لیله المیبت می فرماید: **"من الناس من يشري نفسه ابتغاء مرضات الله"** (بقره، 207). این فداکاری را کسی جز علی(ع) نمی تواند انجام دهد و در تاریخ جاودانه شد(پیشوایی، 1379، 40-37).

3/6- قانونمندی و قانونگرایی کارگزاران: در سیره حکومتی امام علی(ع) حاکم و مردم در برابر قانون مساوی هستند. اگر کسی با بی قانونی عمل می کرد بدون رعایت مقام و موقعیت او، حدود الهی را اجرا می کرد. ایشان بعد از اینکه یک افسر ارتش که از مقام خویش در مقابل قانون سوء استفاده و مردم را تهدید می کرد، نامه ای به اهالی مسیر حرکت سپاه نوشت و گفت شکایات خود را پیش من آورید که من به کمک خداوند، آن را تغییر می دهم(فیض الاسلام، 1366، نامه 60، 1045).

ایشان کارگزاران متعددی را به خاطر تخطی از قانون عزل کرد و آنها را مجازات کرد. که در میان آنها برخی نیز از خویشاوندان امام بودند. در نامه ای به مصقله که حاکم اردشیر خره از شهرهای فارس بود او را به علت اینکه اموالی را که به دستش می رسید بین خویشاوندان خود تقسیم می کرد مورد سرزنش و عتاب قرار داد(فیض الاسلام، 1366، نامه 43، 961). کارگزار مجری قانون الهی نباید مرتکب بی قانونی شود. چون رعایت قانون بد، بهتر از بی قانونی است.

3/7- مشورت و همفکری در حکومت: یکی از اصول مهم در سیره سیاسی کارگزاران نظام مردم سالاری دینی مشاوره و همفکری با همکاران، مسئولین و نخبگان و اندیشمندان و ... می باشد. قرآن در عین سفارش به مشورت جدیت و قاطعیت را نیز از پیامبر می خواهد تا پیام و سرمشق عملی برای همه زمامداران جامعه اسلامی باشد(آل عمران، 159).

امام علی(ع) فرمود: **وَمَنْ اسْتَبَدَّ بِرَأْيِهِ هَلَكَ وَمَنْ شَاوَرَ الرَّجَالَ شَارَكَهَا فِي عُقُولِهَا**. هر که خود رأیی نمود تباه گشت و هر که با دیگران شور نماید با خردهایشان شرکت می کند(فیض الاسلام، 1366، خطبه 152، 1165).

ایشان مشورت را بزرگترین پشتیبان می داند که راههای سعادت و کمال را هموار می کند **"لَا غِنَى كَالْعَقْلِ وَلَا فَقْرَ كَالْجَهْلِ وَلَا مِيرَاثَ كَالْأَدَبِ وَلَا ظَهِيرَ كَالْمُشَاوَرَةِ**. هیچ بی نیازی همانند عقل و هیچ نداری مانند نادانی نمی باشد. هیچ ارثی ارزشمندتر از ادب خانوادگی و هیچ پشتیبانی همانند مشورت نمی باشد **"(فیض الاسلام، 1366، حکمت 51، 1112)**.

3/8- نظم در کارها و تنظیم وقت: نظم در کارها از مصادیق مسئولیت پذیری است. امیرالمومنین به عنوان اسوه نظم توصیه های بسیاری برای کارگزاران دارد. او در وصیت خود به امام حسن(ع) می فرماید: **"أَوْصِيكُمْ وَأَجْمِعْ وَكَلِدِي وَأَهْلِي وَمَنْ بَلَّغَهُ كِتَابِي بِتَقْوَى اللَّهِ وَنَظْمِ أَمْرِكُمْ وَصَلَحِ ذَاتِ بَيْنِكُمْ**. شما و فرزندان و اهل بیتم و هر کسی که نامه ام به او می رسد به تقوی و ترس از خدا، نظم در کارتان و اصلاح امورتان سفارش می کنم **"(فیض الاسلام، 1366، نامه 47، 977)**.

حضرت در مدیریت سیاسی - اجتماعی جامعه همه مدیران و کارگزاران را نیز به نظم و انضباط و تنظیم وقت توصیه می نمودند. ایشان در نامه خود به مالک می نویسند که: **"وَأَمْضِ لِكُلِّ يَوْمٍ عَمَلَهُ فَإِنَّ لِكُلِّ يَوْمٍ مَا فِيهِ وَاجْعَلْ لِنَفْسِكَ فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ اللَّهِ أَفْضَلَ تَلِكَ الْأَمَوَاتِ"** (فیض الاسلام، 1366، نامه 53، 1019).

3/9- استقامت و پایداری در مسئولیت: بسیاری از مدیران در شرایط عادی مدیران خوبی به نظر می رسند اما به محض خارج شدن کارها از مسیر عادی و به هم خوردن شرایط طبیعی، توان اداره محیط خود را از دست می دهند. امام علی(ع) به مالک می فرماید: **"اولاً، بزرگی کارها او را ناتوان نماید و ثانیاً، زیادی کارها او را رنجور و پریشان نکند"** (فیض الاسلام، 1366، نامه 53، 1016). حضرت به فرماندار خود در مکه (قثم بن عباس) تذکر می دهد: **"فَأَقِمْ عَلَى مَا فِي يَدَيْكَ ... وَإِيَّاكَ وَ مَا يُعْتَدِرُ مِنْهُ وَلَا تَكُنْ عِنْدَ النَّعْمَاءِ بَطْرًا وَلَا عِنْدَ الْبِئْسَاءِ قَسِيلاً**. بر آنچه در دست تو است (حکومت مکه) پایداری و ایستادگی کن ... هنگام خوشی ها زیاد شادمان و هنگام سختیها هراسان و دل باخته مباش **"(فیض الاسلام، 1366، نامه 33، 942)**.

پس از انتصاب محمد بن ابوبکر نیز با وجود اینکه حضرت علاقه وافری به او داشت ولی چون از عهده مسئولیت بر نمی آمد مالک اشتر را به جای او منصوب کرد (فیض الاسلام، 1366، نامه 34، 943). بنابراین یکی از ویژگی های اصلی مدیریت، داشتن قدرت مدیریت، ایستادگی و پایداری در مدیریت به هنگام مشکلات و بحراناها است.

3/10- انجام فرائض، واجبات و مستحبات: انجام فرائض عبادی و اعمال مستحب برای حفظ روحیه کارگزار حکومتی بسیار مهم است. خداوند می فرماید: **"وما خلقت الجنّ والانس إلا ليعبدون"** عبادت یک مسئول در کنار خدمت به مردم ثواب مضاعفی دارد. تلقی نهج البلاغه از عبادت چنین می باشد. **فَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَفَعَّلَكُمْ بِمَوْعِظَتِهِ وَ وَعَظَّكُمْ بِرِسَالَتِهِ وَ آمَنَ عَلَيْكُمْ بِنِعْمَتِهِ فَعَبِدُوا أَنْفُسَكُمْ لِعِبَادَتِهِ وَ أَخْرَجُوا إِلَيْهِ مِنْ حَقِّ طَاعَتِهِ**. بترسید از خدائی که شما را به بند خود بهره مند فرمود و شما را به دستور خویش اندرز داد و به نعمت اش بر شما منت نهاد، پس برای عبادت و بندگی اش نفس های خود را رام و خوار نمائید و حق فرمانبری از او را بجا آورید (فیض الاسلام، 1366، خطبه 189، 636).

3/11- عدم استبداد و خودکامگی در حکومت: لازمه هر نوع مسئولیت و مدیریت، نفی هرگونه استبداد و خودکامگی است. امام علی(ع)، سلطنت و قدرت سیاسی و اجرایی را در صورتی که به همراه خودسازی معنوی نباشد، عامل پیدایش استبداد و هلاکت و تباهی می‌داند. به اشعث بن قیس، استاندار آذربایجان چنین فرمود: "لَيْسَ لَكَ أَنْ تَفْتَتَ فِي رِعِيَّةٍ. حَقُّ نَدَارِي فِي مِثْلِ مَرْدَمٍ بِهٖ اسْتِبْدَادُ عَمَلِ نَمَائِي" (همان، نامه 5، 839). این ویژگی منفی در مدیران و کارگزاران بیش از سایر افراد به نظام اجتماعی و مناسبات اخلاقی تاثیر می‌گذارد. امام علی(ع) به مالک اشتر فرمود: "وَلَا تَقُولَنَّ إِنِّي مُؤَمَّرٌ أَمْرٌ فَأَطَاعُ فَإِنَّ ذَلِكَ إِدْغَالٌ فِي الْقَلْبِ وَمَنْهَكَةٌ لِلدِّينِ... مَكَوْمٌ مَأْمُورٌ وَ أَمْرٌ مِي كَنَمٍ پَس بَايَدُ فَرْمَانِ مَرَا بِيذِيرِيدُ وَ اَيْنِ رُوشِ سَبَبِ فِسَادِ وَ خِرَابِي دَلِ وَ ضَعْفِ وَ سَسْتِي دِينِ وَ تَغْيِيرِ وَ زَوَالِ نَعْمَتِ هَا گَرْدَد... (فيض الاسلام، 1366، نامه 53، 993).

کارگزاری که قدرت را وسیله خودکامگی و استبداد بداند، همه اصول و حقایق را پایمال می‌کند. چنین فردی به تعبیر قرآن کریم ندای «انا ربکم الاعلی» (النازعات/24). سر می‌دهد که به هر حال من باید اطاعت شوم.

3/12- مسئولیت پذیری و وظیفه شناسی سیاسی: از جمله مسئولیت های حاکمان اجرای دقیق قوانین، برقراری امنیت، تأمین رفاه و آسایش مردم، برطرف کردن مشکلات، جبران ضعف‌ها و کمبودها، دلگرم نمودن آنان نسبت به حکومت، تلاش برای پیشرفت همه جانبه، دفاع از ارزش‌های مادی و معنوی، آباد کردن شهرها و بازسازی ویرانی‌ها و ... است.

آسیب های فراوانی در اثر عدم مسئولیت پذیری و عدم وظیفه شناسی کارگزاران متوجه نظام و جامعه می‌شود. حضرت به کارگزاران توصیه می‌کند که در انجام کارها و مسئولیت‌های شکیبا و مقاوم باشید تا مسئولیت‌ها شما را بی‌تاب ننماید: "مَنْ لَمْ يُنْجِهِ الصَّبْرُ أَهْلَكَهُ الْجَزَعُ" (فيض الاسلام، 1366، حکمت 180، 1173).

3/13- اطاعت و پیروی از مافوق: اطاعت از رهبر جامعه اسلامی بر همه مسلمانان و به ویژه کارگزاران نظام واجب است. هر حاکمی که جمیع شرایط مدیریتی و اخلاقی را داشته باشد بدون تبعیت و پیروی زبردستان کاری نمی‌تواند از پیش ببرد. حضرت می‌فرماید: "وَلَكِنْ لَا رَأْيَ لِمَنْ لَا يُطَاعُ. كَسِيَّ كَهٗ فَرْمَانِشِ رَا نَمِي بَرَنْدِ تَدْبِيرِ نَدَارْدُ" (همان، خطبه 27، 96). "وَأَمَّا حَقِّي عَلَيْكُمْ فَأَلْوَفَاءُ بِالْبَيْعَةِ وَالنَّصِيحَةِ فِي الْمَشْهَدِ وَالْمَغِيبِ وَالْإِجَابَةُ حِينَ أَدْعُوكُمْ وَالطَّاعَةُ حِينَ أَمُرُّكُمْ. وَ أَمَّا حَقِّي كَهٗ مِنْ بَرِ شَمَا دَارْمِ بَاقِي مَانْدِنِ بِهٖ بِيْعَتِ اسْتِ چُونِ شَمَا رَا بِخَوَانِمِ اِحْبَابْتِ كَنِيدُ وَ بِهٖ اَنْچِهٖ بِهٖ شَمَا اَمْرِ كَنَمِ اطَاعَتِ وَ پِيْرُوِي كَنِيدُ" (فيض الاسلام، 1366، خطبه 34، 114). اگر مدیری علاقمند است زبردستانش از او اطاعت نمایند باید از مقام مافوق خود پیروی نماید. اگر این روحیه در تمامی رده های حکومت حکمفرما باشد آن نظام بالنده و قدرتمند است.

3/14- اصلاح و آبادانی سرزمین های اسلامی توسط کارگزاران: وظیفه اصلی کارگزاران اصلاح محیط زندگی و اوضاع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی سیاسی است. حضرت درباره پذیرش حکومت توسط خود می‌فرماید: "خدايا تو آگاهی که پذیرش مسئولیت برای این بود که آثار دین تو را باز گردانیم و در شهرهای تو اصلاح و آسایش را برقرار نمایم تا بندگان ستم کشیده‌ات در امن و آسودگی بوده و احکام تو که ضائع مانده جاری گردد" (فيض الاسلام، 1366، خطبه 131، 407).

زیربنای فلسفی حرکت اصلاحی حضرت، اصالت آخرت و وسیله بودن دنیا است و هدف اصلی نظام اقتصادی اسلام، اصلاح آبادانی بلاد اسلامی است و رشد و توسعه مطلوب بدون عدالت محقق نخواهد شد: "بالعدل تتضاعف البرکات. به وسیله اقامه عدل برکات الهی چند برابر می شود" (حکیمی، 1376، ج 6، 332). هدف اصلی اصلاحات اقتصادی آن حضرت تحقق عدالت اقتصادی و برنامه حضرت، تصحیح بینش‌ها و منش‌ها براساس اسلام است.

نتیجه گیری

مبنای سبک زندگی کارگزاران در مکاتب انسان محور، روش و خواسته و علائق او است. نوعی شیء‌وارگی بر منطق زندگی در دنیای غرب به نام lifestyle حاکم است. انسان (اومانیزم) محور زندگی بوده و برای خودش دین و آیین تولید می کند. در این "حیات خبیثه" ترقی و توسعه محور است.

مبنای سبک زندگی کارگزاران در نظام توحیدی، خدا است. انسان از شیء‌وارگی خارج و هدف و یکپارچگی بر زندگی حاکم می شود. در این "حیات طیبه" انسانها برای رسیدن به زندگی جاویدان باید به رشد و تعالی برسند.

مفهوم life style در گفتمان موجود با مصادیق مد، اوقات فراغت، مصرف، اقتصاد، رقابت، تکثر و تنوع، خودنمایی و رفتارهای متظاهرانه نمایان می شود. این نوشتار با رد نظریات جامعه شناسی و فرهنگی، با تکیه بر نظریه روانشناسی آدلر و نقد آن، چارچوب نظری مبتنی بر اندیشه سیاسی اسلام را استخراج کرد.

شاخص های مطلوب سبک زندگی کارگزاران از محتوای نهج البلاغه و سیره حضرت علی (ع) به عنوان الگوی نظری و عملی استخراج و دسته بندی شد.

گسترش ارزش های اسلامی در جامعه برای تمدن سازی اسلامی با اصلاح سبک زندگی کارگزاران امکان می یابد. تمام کسانی که در این نظام مسئولیت دارند و دل در گرو اسلام و پیشرفت جامعه اسلامی ایران و تمدن سازی دارند باید به سیره و گفتار حضرت علی (ع) در زمامداری جمهوری اسلامی ایران عمل نمایند تا زمینه برای ظهور حکومت عدل الهی فراهم گردد. این رویکرد موجب زمینه سازی برای سبک زندگی منتظرانه کارگزاران نظام می شود تا خود را با شرایط حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) وفق داده و سبک زندگی خود را به ویژگی های گفته شده نزدیک نمایند.

منابع

الف - منابع فارسی

- قرآن کریم
- نهج البلاغه، سید رضی (1366)، ترجمه علینقی فیض الاسلام، تهران، انتشارات فیض الاسلام، تجدید چاپ.
- آدلر، آلفرد (1361)، روانشناسی فردی، ترجمه حسن زمانی شرفشاهی، تهران، پیشگام، چاپ اول.
- ----- (1379)، شناخت طبیعت انسان از دیدگاه روان شناسی، ترجمه طاهره جواهر ساز، تهران، رشد، چاپ اول.
- آمدی، عبدالواحد بن محمد تمیمی (1381)، غرر الحکم و درر الکلم، ترجمه مصطفی درایتی، مشهد، ضریح آفتاب، چاپ اول.
- استوری، جان (1389)، مطالعات فرهنگی درباره فرهنگ عامه، مترجم حسین پاینده، تهران، آگاه، چاپ دوم.
- الطائی، علی (1382)، بحران هویت قومی در ایران، تهران، نشر شادگان.
- برزگر، ابراهیم (1389)، ساختار فهم اندیشه سیاسی اسلام، فصلنامه دانش سیاسی، سال ششم، شماره دوم، دانشگاه امام صادق (ع).
- برقی قمی، علی اکبر (1379)، جلوه حق در سیرت امیرمؤمنان علی بن ابی طالب (ع)، تهران، حافظ.
- بوردیو، پی.یر. (1390)، تمایز؛ نقد اجتماعی قضاوت های ذوقی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران، ثالث، چاپ اول.
- ----- (1381)، نظریه کنش؛ دلایل عملی و انتخاب عقلایی، ترجمه مرتضی مردیها، تهران، نقش و نگار، چاپ دوم.
- پیشوایی، مهدی (1379)، سیره پیشوایان، قم، موسسه امام صادق (ع)، چاپ یازدهم.
- جرداق، جرج (1376)، امام علی (ع) صدای عدالت انسانی، ج 1، ترجمه سیدهادی خسرو شاهی، قم، خرم، چاپ سوم.
- چاوشیان، حسن (1381)، سبک زندگی و هویت اجتماعی؛ مصرف و انتخاب های ذوقی به عنوان تمایز و تشابه اجتماعی در دوره مدرنیته اخیر، رساله دکتری، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- خمینی، روح الله (1378)، صحیفه امام، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ اول.
- خوانساری، جمال الدین محمد (1360)، شرح غرر الحکم، ج 3، تهران، دانشگاه تهران، چاپ سوم.
- دلشاد تهرانی، مصطفی (1389)، حکومت حکمت؛ حکومت در نهج البلاغه، تهران، دریا، چاپ دوم.
- رجبی نیا، داود (1391)، اسلام و زیبایی های زندگی؛ رویکردی تحلیلی و تربیتی به سبک زندگی، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ اول.
- رحمانی فیروزجاه، علی و سهرابی، سعدیه (1392)، سبک زندگی و دینداری، تهران، نگاه بینه، چاپ اول.
- رشاد، علی اکبر (1380)، دانشنامه امام علی (ع)، مجموعه ده جلدی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول.

- زیمل، گئورگ (1382)، کلان شهر و حیات ذهنی، ترجمه یوسف اباذری، نامه علوم اجتماعی، بهار، شماره سوم.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (1374)، تفسیر المیزان، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- فرقانی، محمد مهدی (1382)، راه دراز گذار؛ تحول گفتمان توسعه سیاسی در ایران، تهران، فرهنگ و اندیشه، چاپ اول
- فیضی، کریم (1388)، زندگی و بس، تهران، اطلاعات، چاپ اول.
- قربانی، زین العابدین (1386)، منشور مملکت داری در نامه امام علی (ع) به مالک اشتر، رشت، سلار، چاپ اول.
- کاشفی، محمد رضا (1387)، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، قم، جامعه المصطفی العالمیه.
- کاویانی، محمد (1391)، سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول.
- گیدنز، آنتونی (1377)، پیامدهای مدرنیته، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، مرکز.
- ----- (1387)، سیاست، جامعه شناسی و نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران نشر نی.
- مصباح الشریعه امام صادق (ع) (1361)، ترجمه زین العابدین کاظمی خلخالی، تهران، حاجر، چاپ اول.
- مطهری، مرتضی (1377)، آشنایی با علوم اسلامی، جلد دوم، (کلام، عرفان، حکمت عملی)، تهران، صدرا.
- ----- (1376)، آشنایی با علوم اسلامی، جلد سوم، (اصول فقه - فقه)، تهران، صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (1374)، تفسیر نمونه، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ج 13، چاپ اول.
- منوچهری، عباس (1390)، رهیافت و روش در علوم سیاسی، تهران، چاپ سوم، سمت.
- میر تاج الدینی، محمد رضا (1376)، اخلاق کارگزاران حکومت از دیدگاه اسلام، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ دوم
- نراقی، ملا احمد (1378)، معراج السعاده، مصحح متن حجه السلام موسوی کلانتری دامغانی، تهران، پیام آزادی، چاپ اول.
- ویلن، تورستین (1383)، نظریه طبقه مرفه، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران، نی.

ب- منابع عربی

- ابن ابی الحدید (1378 ق)، شرح نهج البلاغه، به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره، دار احیاء الکتب العربیه، چاپ اول.
- ابوالعباس احمد بن محمد بن علی الفیومی (1425 ق)، المصباح المنیر، قم، دارالهجره، الطبعة الثانية.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵)، الکافی، تهران، بی جا، دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر (1403 ق)، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم.

ج- منابع لاتین

- Adler, Alfred (1956-), an introduction to his psychology, London and tonbridge, Ltd. books.
- Adler, Alfred (1929), The science of living, New York, Inc.
- brake .m. (1980) the sociology of youth culture and youth subcultures London Routledge.
- miles, s. (1998), consumerism as a way of life, London, sage.
- oxford advanced learners` dictionary "life style" (2006), Oxford, Oxford university press.

- Sobel, Michel E. (1981), Lifestyle and social structure: concepts, definition, and analysis,academic press
- weber, max(1946), essays in sociology, eds, h.h.gerth and c.wright mills, new York, oxford university press, inc